

موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان

سیما رئیسی^۱، حسین تفضلی^{۲*}، محمد توحیدفام^۳، احمدرضا طاهری^۴

چکیده

دستیابی به توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی گروه‌های اجتماعی جامعه را می‌طلبد و مشارکت سیاسی زنان در این خصوص اهمیت بالایی دارد. تحقق مشارکت مطلوب زنان در حوزه سیاست در هر جامعه‌ای با موانع خاص خود مواجه است. بر این اساس، در این پژوهش مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان با استفاده از روش‌های پژوهش کیفی و رویکرد نهادگرایی مورد مطالعه قرار گرفته است. مصاحبه‌های کیفی با نخبگان بلوچستان مقولات و تم‌هایی را در اختیار پژوهشگران قرار داد که امکان تبیین وضعیت مشارکت سیاسی زنان این قوم را فراهم کرد. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که موانع مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان از دو نگاه درخور توجه هستند؛ نگاه نخست متوجه موضع‌گیری نهادهای رسمی به زنان است و نگاه دوم فرهنگ بلوچ را در نسبت با زنان شرح می‌دهد. نتایج به‌دست‌آمده موانع اصلی را نهادهای غیررسمی یا ناملموس همانند فرهنگ پدر/مردسالاری و بخشی از باورهای سنتی تعریف می‌کند؛ باورهایی که از سویی علت خودناباوری زنان در فعالیت‌های سیاسی است. با وجود این، نهادهای مشارکتی از جمله شوراهای اسلامی شهر و روستا موفق شده‌اند اثربخشی نفوذ نهادهای غیررسمی را با مرور زمان بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ کاهش دهد.

کلیدواژگان

پدرسالاری، زنان بلوچ، مشارکت سیاسی، منطقه بلوچستان، نهادهای رسمی و غیررسمی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
sima.raesi@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)
tafazzoli_hossein@yahoo.com

۳. گروه علوم سیاسی-اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی
tohidfam_m@yahoo.com

۴. گروه علوم سیاسی، مسائل ایران، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
taheri.political@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

مشارکت سیاسی گروه‌های اجتماعی کلید توسعه سیاسی یک جامعه است؛ بدین معنا که به هر میزان مشارکت سیاسی افزایش یابد، توسعه سیاسی نیز افزایش خواهد یافت. در تعریف مشارکت سیاسی می‌توان گفت «مشارکت سیاسی به حقوق شهروندی اشاره می‌کند که به دنبال اثرگذاری (اثر می‌گذارد یا قصد تأثیرگذاری دارد) بر امور جمعی است» [۲۴].

مشارکت سیاسی زنان از مباحث درخور توجه در این حوزه است که در هر جامعه‌ای با چالش‌ها و موانع خاص خود مواجه است. با توجه به بررسی‌هایی که در زمینه مشارکت زنان در امور جامعه انجام گرفته، نشان داده شده است که عوامل اجتماعی، فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مردان و زنان، موانع مهمی بر سر راه مشارکت زنان است. از این رو، در دهه ۱۹۸۰ به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح «جنسیت در توسعه» به کار گرفته شد و در پی آن در بسیاری از کشورهای جهان سوم راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن این موانع اتخاذ شد. یکی از این راهبردها توانمندسازی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند [۱۰].

مشارکت زنان بلوچ در توجه به نهادهای مشارکتی یا میانجی همانند شوراهای اسلامی شهر و روستا سیر صعودی داشته است. با وجود این، به نظر می‌رسد نهادهای ناملموس یا نانوشته همانند نگاه مردسالارانه و برساخته‌های فرهنگی بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ اثرگذارند و زنان بلوچ در عرصه سیاسی اعتمادبه‌نفس پایینی دارند.

بخشی از نگاه این پژوهش به باورهای مردم بلوچ درباره زن بوده است؛ آنان زن را موجودی اسیر احساسات فرض می‌کنند که این باور طبیعتاً بر رفتار سیاسی زنان بلوچ مؤثر است. از طرفی دیگر، تأکید باورهای سنتی بر پاک‌ی زن موجب شده که زنان بلوچ محیط سیاسی را با زنانگی نامأنوس ببینند، زیرا تعریف آنان از سیاست با تزویر، خیانت و دروغ مترادف است. از این رو، آنان نتوانسته‌اند میان خویش و محیط سیاسی رابطه‌ای پدید آورند. لکن با نفوذ نهادهای مشارکتی زنان بلوچ به چنین باورهایی پشت کرده، یا به عبارتی ارزش‌های جدید در حال بازتولیدند. در عین حال، فرایند به‌کارگیری زنان بلوچ نیز در مناصب سیاسی سیر صعودی داشته است. درحقیقت، نهادهای مشارکتی همانند تشکلهای و انجمن‌های اجتماعی و سیاسی رسمی و کمتر رسمی پایه‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان بلوچ را پدید آورده‌اند. شوراهای اسلامی شهر و روستا در افزایش مشارکت سیاسی بلوچ‌ها و به‌ویژه زنان نقش پررنگی ایفا کرده‌اند. با وجودی که آموزش، فرهنگ‌سازی و تعاریف صحیح الگوها و نمادهای نو برای زنان و مردان منطقه بلوچستان تکمیل‌کننده مشارکت سیاسی زنان بلوچ بوده است، با ضعف عملکرد نهادهای آموزشی، اقتصادی و سیاسی در همه سطوح، اثربخشی نهادهای غیررسمی بر

مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان بالاست و تا تحقق مشارکت فعال زنان راه زیادی در پیش است.

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان از ارکان اصلی توسعه سیاسی در هر جامعه‌ای است. توجه به این حوزه در جوامعی که دارای سیر صعودی مشارکت فعالانه زنان هستند حائز اهمیت است. مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان زمینه‌های توانمندسازی و عدالت جنسیتی و به نوعی بسترهای کاهش شکاف جنسیتی را فراهم می‌کند. بر این اساس، مسئله تحقق مشارکت زنان در حوزه‌های علوم انسانی به‌طور عام و علوم سیاسی به‌طور خاص حجت درخور توجهی از مطالعات و پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. با وجود این، تئوری پردازان در پی راه برون‌رفتی هستند که مشارکت سیاسی زنان را فعالانه، مستمر و نهادینه کنند. از این رو، هانتینگتون یکی از تئوری پردازان بیان می‌دارد که امر توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی گروه‌های اجتماعی با نهادسازی و نهادینگی اتفاق خواهد افتاد. حامیان این رهیافت، قواعد و رویه‌های قانونی را متغیر مستقل و کارکرد و ذات دموکراسی‌ها را متغیر وابسته در نظر گرفته و معتقدند که قواعد رفتار را تعیین می‌کنند [۸]. اگر قواعد مستمر و مداوم باشند، فرایند نهادینه‌سازی نیز انجام می‌پذیرد؛ فرایندی که به تعاملات گروهی و نهادی اشاره دارد [۱]. به عبارتی، مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی را نیز می‌توان در سیستم سیاسی نهادینه کرد. بنابراین، مشارکت در چارچوب نهادها شکل می‌گیرد؛ چه نهادهای رسمی شامل قوانین رسمی جوامع باشد و چه نهادهای غیررسمی شامل هر نوع عرف و سنت و قرارداد تثبیت شده باشد. لذا نهاد می‌تواند مذهب، نژاد، جنسیت، امور سیاسی و هر قاعده شکل گرفته بلندمدت مشابه آن را شامل شود [۹]. در نتیجه، نهادها جنبه تعیین‌کننده در مانع‌سازی و تقویت‌کنندگی مشارکت سیاسی دارند.

چنان‌که بیان شد، رفع موانع در مسیر مشارکت سیاسی زنان توسعه سیاسی را تسهیل خواهد کرد. مشارکت زنان اقوام همچون زنان منطقه بلوچستان شاخص‌های متفاوتی دارند، زیرا از جهتی نهادهای رسمی و غیررسمی متفاوتی در مشارکت سیاسی آن‌ها دخیل هستند. از جهت دیگر، عملکرد این نهادها در این منطقه متفاوت است.

بر همین اساس، در مقاله حاضر با فرض آنکه نهادهای ناملموس یا غیررسمی پتانسیل نقش‌آفرینی به‌عنوان موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان بلوچ را دارند، مورد بررسی و پژوهش کیفی قرار گرفته‌اند. در این زمینه تلاش شده نهادهای مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان شناسایی شوند و نحوه کارکرد آن‌ها و چگونگی تأثیرگذاری بر زنان تبیین و تشریح شود.

مبانی نظری پژوهش

نهادگرایی

توجه به نهاد در تحلیل‌ها و اندیشه‌های سیاسی اعصار مختلف از فلاسفه باستان چون ارسطو تا هانتینگتون قابل خوانش است. هریک از اندیشمندان سیاسی و اجتماعی به نحوی امر نهاد و نهادینگی را متذکر شده و ضرورت آن را نیز بیان کرده‌اند. برای روشن‌شدن رابطه مشارکت سیاسی و نهاد و نهادگرایی که محور پژوهش حاضر است، ضروری است نهاد را از نگاهی جامع تعریف کنیم. در واقع، تعاریف بسیار متنوعی از نهاد وجود دارد.

عمومی‌ترین تعریف نهاد، قواعد (رسمی یا غیررسمی) است. همچنین نهاد قاعده‌ای است که نهادینه شده باشد. درحقیقت، نهادینه‌شدن فرایندی است که از مجرای آن قواعد و هنجارهای خاص به گونه‌ای رواج می‌یابند که کنش مطابق آن‌ها مورد پذیرش و تخطی از آن‌ها موجب محرومیت می‌شود. این رویه‌ها و قواعد طی فرایند نهادینه‌شدن مشروعیت می‌یابند و بر سر آن‌ها اجماع صورت می‌گیرد [۷]. بنابراین، نهادها در کلیت خود مقولاتی اجتماعی‌اند که حاصل توافق آگاهانه یا ناآگاهانه جمعی از انسان‌ها هستند [۴].

به نظر نورث نیز «نهادها قراردادهای ابداع‌شده انسانی‌اند که کنش‌های متقابل انسانی را ساختارمند می‌کنند. آن‌ها از قوانین رسمی (مثل آیین‌نامه‌ها، قوانین عادی، قانون اساسی) و قوانین غیررسمی (مثل ارزش‌های رفتاری، عرف، قوانین برخورد تحمیل‌شده رفتار) و خصوصیات اجرایی آن‌ها تشکیل شده‌اند» [۴]. بدین ترتیب، نهادها فرایندی هستند که به صورت رسمی یا غیر رسمی رفتار کارگزاران را شکل می‌دهند [۵].

سطوح نهادهای مشارکتی

از نگاهی دیگر نهاد را می‌توان در سه سطح بررسی کرد که جایگاه نهادهای مشارکتی را معین می‌کنند:

۱. **نهادهای رسمی:** مجموعه نهادهای شکل‌دهنده به نظام سیاسی که یا در قانون اساسی به آن‌ها اشاره شده یا آنکه قواعد و سازوکارهای رسمی تنظیم امور سیاسی و حاکمیتی هستند؛ از جمله می‌توان به مجموعه قوانین (قانون اساسی، قوانین مدنی و کیفری، قانون انتخابات، قانون مطبوعات) و نهادهای سیاسی مطرح در قانون اساسی اشاره کرد.
۲. **نهادهای غیررسمی:** نهادهایی که بخشی از ساختار رسمی دولت به شمار نمی‌آیند، اما نقش مهمی در حیات سیاسی برعهده دارند. احزاب، مطبوعات، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و شبکه‌های سیاسی و اجتماعی را می‌توان جزء نهادهای غیررسمی به حساب آورد.
۳. **نهادهای ناملموس:** سطحی از نهادها که اغلب ماهیتی نامحسوس دارند، ولی درعین حال

تأثیر مشخصی در شکل دادن به فضا و کنش‌های بازیگران، نحوه کارکرد و توان نهادهای دو سطح دیگر ایفا می‌کنند. رویه‌ها و سازوکارهای غیررسمی در روابط و تعاملات جاری در عرصه سیاسی و حکومتی، مؤلفه‌های فرهنگی، سنت‌ها، هنجارها و عناصر شکل‌دهنده به سرمایه اجتماعی از این جمله‌اند [۱۶].

رابطه نهادهای رسمی و نهادهای غیررسمی

ویژگی‌های نهاد در نهادگرایی رسمی و نهادگرایی غیررسمی قابل مشاهده است و چارچوب و مرزهای همانندی را برای آن‌ها می‌توان ترسیم نمود. اما مرز میان نهادهای رسمی و غیررسمی و رابطه میان آن‌ها مبهم است. با این حال می‌توان گفت که رابطه‌ای دو سویه و دیالکتیکی بین نهادهای رسمی و غیررسمی وجود دارد؛ چنان‌که [۲۴] اشاره می‌کند نهادهای رسمی همواره برای عملکرد خود به قوانین غیررسمی و هنجارهای نامحسوس وابسته هستند. نهادهای قانونی یا رسمی که حامیان غیررسمی قدرتمندی ندارند، بیشتر اعلامیه‌های قانونی بدون پشتیبان هستند. همچنین مرز میان رهیافت نهادگرایی قدیم و جدید را نهادهای رسمی و غیررسمی می‌دانند.

رهیافت‌های نهادگرایی

رهیافت‌های نهادگرایی عبارت‌اند از: مطالعات قانون اساسی، اداره عمومی و نهادگرایی جدید. - **مطالعات قانون اساسی:** رهیافت اول نقطه شروع مطالعه دولت را بررسی قانون اساسی قلمداد می‌کند. این رهیافت سعی دارد به جای تأکید بر نهادهای رسمی و قانونی، به تحلیل نهادهای در حال کنش پردازد.

- **اداره عمومی:** خط مشی سیاسی را حاصل تعامل سازمان‌های حکومتی و دیگر سازمان‌های حرفه‌ای و اقتصادی می‌داند، رهیافتی توصیفی و رسمی در برابر تاریخ، کارکرد، ساختار و روابط نهادها اتخاذ می‌کند.

- **نهادگرایی جدید:** به جای دیدگاه تقلیل‌گرایانه و فایده‌گرایانه، بر نقش بیشتر و مستقلانه‌تر نهادهای سیاسی تأکید می‌ورزد و بدین لحاظ از روش تاریخی-توصیفی و قانونی دور و به نظریه سیاسی، تاریخ و حقوق نزدیک‌تر می‌شود [۲۱]. در مجموع می‌توان گفت نهادگرایی جدید در تعریف نهاد، سه مؤلفه را مورد تأکید قرار می‌دهد: موجودیت اجتماعی بودن، بادوام بودن و فرایندی بودن [۲۰] که در این معنا «نهاد» یک موجودیت اجتماعی است که در فرایند نهادینه شدن شکلی ثابت و بادوام به خود گرفته و به الگویی برای کنش و رفتارهای اجتماعی تبدیل شده است و رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهد. این موجودیت

اجتماعی که از آن با نام «نهاد» یاد می‌شود، قلمرو گسترده‌ای را دربر می‌گیرد و می‌تواند هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، سنت‌ها، نظام‌های فکری و اندیشه‌ای و حتی خود فرهنگ را شامل شود [۱۴]. از طرف دیگر، تأکید بر نقش تعیین‌کننده نهادها به‌منزله یک متغیر مستقل بر فرایند و نتایج کنش‌های اجتماعی و سیاسی، نقش نهادهای میانجی در شکل‌دادن به استراتژی‌های سیاسی کنشگران، نقش نهادها در توزیع قدرت، ارزش‌ها و اطلاعات در سطح اجتماعی، از نوآوری‌های مهمی است که نئونهادگرایی در حوزه تحلیل سیاسی در پی داشته است [۱۴].

نهادگرایی و مشارکت سیاسی

فراهم کردن مشارکت سیاسی گروه‌های اجتماعی در ساختار سیاسی جامعه برحسب نگاه نهادگرایان مستلزم نهادمندی ارزش‌های مشارکتی در نهادهای موجود جامعه است؛ به‌طوری‌که هانتینگتون اعتقاد دارد اگر یک جامعه بخواهد به اجتماع سیاسی تبدیل شود و به توسعه سیاسی دست یابد، باید قدرت هر گروهی از طریق نهادهای سیاسی اعمال شود. بر این اساس، او آن دسته از نظام‌های سیاسی را توسعه‌یافته تلقی می‌کند که نهادهای پایدار، جافتاده، پیچیده، مستقل و منسجمی داشته باشند [۲۶]. او اعتقاد دارد کارکرد نهادهایی که قدرت را این‌گونه تعدیل می‌کنند و جهت می‌دهند آن است که چیرگی یک نیروی اجتماعی با اشتراک نیروهای دیگر اجتماعی سازگار شود. در یک جامعه ناهمگون و پیچیده، هیچ نیروی اجتماعی واحدی نمی‌تواند بر جامعه فرمان براند و یک اجتماع سیاسی برپا کند، مگر آنکه نهادهایی سیاسی را بیافریند که مستقل از نیروهای اجتماعی به‌وجودآورنده آن‌ها بتوانند ادامه حیات دهند [۱۷].

نهادهای سیاسی همچنین می‌توانند نقش معکوس بر مشارکت سیاسی گذارند؛ به‌طوری‌که فمینیست‌ها معتقدند مردان با طراحی و تولید قواعد و قوانین زنان را چه در سطح خرد (خانواده) و چه در سطح کلان (ساخت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی) به‌صورت عرفی و رسمی تحت سلطه خود قرار داده‌اند که نتیجه این امر فرودستی زنان و فرادستی مردان به شکل پدرسالاری بوده است [۲۲] و بالطبع مانع مشارکت سیاسی فعال و آگاهانه زنان شده است.

موانع مشارکت سیاسی زنان

نظریه‌های گوناگونی به شرح موانع مشارکت سیاسی زنان پرداخته‌اند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

– نظریه جامعه‌پذیری: تفاوت‌های موجود در رفتار و باورهای سیاسی زنان و مردان را

براساس رفتار و عادات سیاسی آنان تبیین می‌کند. جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که به موجب آن افراد نگرش‌های سیاسی را فرامی‌گیرند و الگوهای رفتار سیاسی را توسعه می‌دهند. کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی‌اند که پسران و دختران جامعه را اجتماعی می‌کنند. این کارگزاران بر تفکر و رفتار سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند [۲۳]. از دیدگاه زنان، سیاست فعالیتی مردانه است و برای آنان نقش همسری و مادری جامعه‌پذیر شده است و بر این اساس در کاهش رفتار سیاسی زنان و ایجاد شکاف در مدیریت سیاسی به نفع مردان تأثیر داشته است.

– **دیدگاه وضعیتی:** معتقد است از آنجا که زنان در امور خانه و خانواده درگیر شده‌اند، فرصت کمتری برای فعالیت سیاسی دارند یا به دلیل تجربه‌های اندک سیاسی کمتر به آن توجه نشان می‌دهند. زنان به دلیل تأکید جامعه بر حفظ و نگهداری کیان خانواده ارتباط کمتری با فعالیت سیاسی، که اساساً امری بیرونی است، دارند [۱۱].

– **دیدگاه کارکردی:** کارکرد زنان را به امور خانوادگی محدود می‌داند و بر این باور است که واگذاری نقش اقتصادی و سیاسی به زنان سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود. به عقیده پارسونز زنان در خانواده نقش عاطفی ایفا می‌کنند و از آنجا که آزادی زنان از خانواده به آشفتنی جامعه منجر می‌شود، کارکردی ندارد [۱۱].

دیدگاه‌های مختلف چون دیدگاه جامعه‌پذیری، وضعیتی، کارکردی و ساختی عوامل گوناگونی را مانع مشارکت سیاسی زنان می‌دانند. با وجود این، همه آن‌ها به نحوی نهادها را سازنده موانع مشارکت سیاسی زنان در نظر دارند. به بیانی دیگر، نهادها همانند ارزش‌ها، فرهنگ، عرف و... با جامعه‌پذیری زنان موجب نهادینه کردن مشارکت یا عدم مشارکت زنان می‌شوند و وضعیت نامناسب و همچنین کارکردی غیرمشارکتی برای زنان به وجود می‌آورند.

پیشینه پژوهش

مشارکت سیاسی زنان از موضوعات مورد توجه پژوهشگران علوم انسانی است که هر یک آن را از زوایای بررسی کرده‌اند. در این بخش، برخی از این پژوهش‌ها به دلیل تناسب با پژوهش حاضر آورده شده است.

جدول ۱. پژوهش‌های متناسب با پژوهش حاضر

پژوهشگر	عنوان	تاریخ	دستاوردهای پژوهش
صادق ستوان رضا بلوچی مجتبی دهمدار	بررسی جامعه‌شناختی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ	۱۳۹۴	متغیر اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که متغیر اعتماد مردان طایفه به زنان بلوچ تأثیر مستقیم بر مشارکت سیاسی زنان شهر ایرانشهر دارد.
محمدعلی خسروی حسین دهشیار صفی ناز سادات ابطحی	چگونگی توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در ساختار تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی	۱۳۹۱	مشارکت زنان از دو جنبه بهره‌وری جامعه از نیروی آنان و همچنین احساس رضایت از شرکت در سازندگی کشور از سوی خود زنان درخور تأمل است.
بیژن زارع مجید روهنده	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی	۱۳۹۴	بین هریک از متغیرهای رضایت‌مندی اجتماعی، رسانه جمعی، درآمد و جنسیت با مشارکت اجتماعی-سیاسی رابطه معنادار مشاهده شد.
مژگان عظیمی‌هاشمی محمود قاضی طباطبایی علی اصغر هدایتی	مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن	۱۳۹۴	توانمندسازی و کاهش انسداد اجتماعی ترکیبی از سه مؤلفه آگاهی، توان تصمیم‌گیری و سازماندهی است و اگر به حوزه مشارکت سیاسی زنان تعمیم داده شود، مستلزم افزایش آگاهی سیاسی، افزایش توان تصمیم‌گیری و سازماندهی سیاسی زنان است.
فائزه میرکاری ریگی مهناز فیاضی مجید کریم زاده	موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۵	موانع اقتصادی و ساختار اجتماعی دارای بیشترین و موانع آموزشی دارای کمترین نقش بر میزان مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.
سیما رئیسی	نقش فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ در دوره جمهوری اسلامی	۱۳۹۴	فرهنگ سیاسی مردم بلوچ بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ تأثیر مستقیم گذاشته است. علت باورهای سنتی خانواده و پایین بودن سطح آگاهی زنان است.
عباس محمدی اصل	موانع مشارکت سیاسی زنان	۱۳۸۳	فرهنگ سیاسی مردسالاری مبتنی بر تدوین قواعد «تبعیت زنان از شوهران» خصوصاً در عرصه سیاسی و ناگزیر غیرفعال داشتن آن است.
حاکم قاسمی فاطمه معالی	بررسی عوامل محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان	۱۳۹۳	عوامل فرهنگی و چگونگی جامعه‌پذیری زنان مهم‌ترین عوامل محدودکننده مشارکت سیاسی زنان و محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی است.
ماه‌نور رئیسی	بررسی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان بلوچستان	۱۳۹۲	مشارکت سیاسی زنان بلوچ در زمان انتخابات به‌صورت توده‌وار و متأثر از مردان است.
مجید موحد	مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مطالعه موردی شهرستان بندرعباس	۱۳۸۲	تمایل زیاد زنان ایرانی به مشارکت در امور سیاسی حتی در مناطق محروم کشور مانند بندرعباس وجود دارد.
شهرام اسفندیارزاده ملکی	بررسی موانع و مشکلات مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه	۱۳۹۳	تجهیز جامعه و افراد آن برای نبل به هدف توسعه ضرورتی انکارناپذیر است و در این میان، حضور فعالانه افراد برای رسیدن به چنین هدفی بسیار مهم است. زنان، به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی، می‌توانند نقشی بسزا در توسعه جوامع انسانی ایفا کنند.

سؤالات پژوهش

۱. مشارکت سیاسی زنان در جامعه بلوچستان چگونه معنا می‌شود؟
۲. تنگناهای مشارکت سیاسی زنان بلوچ برآمده از کدام معانی فرهنگی هستند؟
۳. آثار و پیامدهای وضعیت موجود در خصوص مشارکت سیاسی زنان چه هستند؟
۴. مشارکت سیاسی زنان بلوچستان با رویکردی نهادی چگونه تبیین می‌شود؟

روش پژوهش

با توجه به مباحث نظری و در دستیابی به اهداف تحقیق از روش پژوهش کیفی استفاده شده است. در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات تکنیک مصاحبه عمیق و مصاحبه گروهی از متخصصان به کار گرفته شده است. به عقیده پاتون (۲۰۰۲) مصاحبه گروهی تکنیک کارآمدی برای گردآوری داده‌های کیفی است که امکان کنترل کیفیت گردآوری داده‌ها را میسر می‌سازد؛ شرکت‌کنندگان یکدیگر را کنترل، تعدیل و دیدگاه‌های غلط افراطی را غربال می‌کنند. پس می‌توان میزان توافق و اجماع نسبی بر سر دیدگاه‌های مشترک را دریافت [۱۲].

جامعه مطالعه شده و شیوه نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند است. جمعیت نمونه متشکل از نخبگان و متخصصان است که در منطقه بلوچستان و در شهرهای زاهدان، چابهار، خاش، نیکشهر، قصرقند، سرباز و سراون فعالیت دارند. مصاحبه‌ها براساس منطق نمونه‌گیری در روش‌های تحقیق کیفی تا جایی ادامه یافته است که محقق در رابطه با موضوع پژوهش به مرحله اشباع نظری برسد و داده‌های جدیدی از مصاحبه‌ها تولید نشود.

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است. تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویابی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی، تم‌ها از داده‌ها ریشه می‌گیرد [۱۸].

در این پژوهش، برای مطالعه موانع مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان مصاحبه‌های گروهی ۶ تا ۱۲ نفره با نخبگان انجام شده است که شامل ۴۰ زن و ۴۰ مرد از منطقه بلوچستان هستند. بر این اساس، از درون مصاحبه‌ها تم‌ها و نتایج پژوهش به دست آمد. تم‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها هر یک از زیرمقولات و مفاهیم زیرین حاصل شده‌اند. با استناد به مصاحبه‌ها، تحلیل و تفسیر تم‌ها انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها و تم‌های برآمده از مصاحبه با نخبگان و متخصصان بلوچستان در دو دسته کلان «تنگناهای مشارکت سیاسی زنان بلوچ» و «آثار و پیامدهای وضعیت موجود» قرار گرفته‌اند.

تنگناهای مشارکت سیاسی زنان بلوچ

– طبقات اجتماعی سنتی و نابرابری (سرداریسم و طایفه‌گرایی)^۱: طایفه‌گرایی ناظر بر اثرگذاری عناصر مکانی و جغرافیایی خاص است که ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از محل زیست و موقعیت‌های برآمده از آن را بر ارزش‌های فراتر از محل ترجیح می‌دهد [۱۳].
مریم عیسی‌زایی، عضو شورای حقوقی دفتر بانوان استانداری سیستان و بلوچستان، می‌گوید:

جامعه بلوچستان سنتی و کدخدامنشانه است. پست‌ها و سمت‌ها به صورت سلسله‌مراتبی به ارث می‌رسد. برای مثال اول مهرالله خان ریگی بوده و بعد بشیر احمد و پس از آن مشتاق احمد و بعد براساس توارث به نسل‌های پسری سرداری منتقل می‌شود. درحالی‌که شاید افراد توانمند دیگری باشند که شانس و فرصت سرداری را ندارند و واضح است که زنان هم شانس ندارند؛ چون در این سیستم به توانایی‌ها نگاه نمی‌شود. فقط به عقبه طایفه‌ای توجه می‌شود.

جامعه بلوچستان از جوامعی است که سلسله‌روابط ناشی از طایفه‌گرایی بر میزان برخورداری از موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و محلی تأثیرگذار است. اصطلاح «سردار» در بخش‌هایی از بلوچستان نظیر زاهدان به مقامات محلی اطلاق می‌شود که در اداره عمومی جامعه، راهبری تصمیمات جمعی و حل اختلافات دارای قدرت هستند؛ قدرتی که برگرفته از نهادهای رسمی نیست و توسط اجتماعی محلی قوام می‌یابد. الهام نارویی، ده‌یار روستای نوک‌آباد بخش شورو زاهدان، بیان می‌کند:

به نظر من، عقبه سرداری و طایفه‌ای خیلی بر موقعیت زنان تأثیرگذار است. برای مثال قرار بود معلمی برای آموزش و پرورش معرفی کنند، دختر یکی از خوان‌ها را معرفی کردند. این دختر با وجود اینکه لیسانس داشت، سواد کافی نداشت و حتی مسئولان آموزش و پرورش هم مانده بودند که چه کار کنند و مجبور شدند برایش معلمی بگمارند تا به او تدریس را آموزش دهند و در اینجا عقبه سرداری‌اش برایش فرصتی فراهم کرد تا استخدام آموزش و پرورش شود.

در پژوهش حاضر، دخترانی که عقبه‌های خانوادگی سرداری یا خانی در منطقه بلوچستان دارند امکان بالاتری در کسب مدارج تحصیلی و به تبع آن تصدی جایگاه‌های مدیریتی و سیاسی دارند. «طبقات اجتماعی سنتی و نابرابری» از مقولاتی چون «حضور دختران خوانین در مناصب استانی»، «اجازه تحصیل دختران سردارها»، «امکانات اقتصادی خانوادگی خوانین و سردارها» برخاسته است.

1. tribalism

– **جامعه‌پذیری جنسیت و خودناباوری زنان:** تم اصلی «جامعه‌پذیری جنسیت و خودناباوری زنان» دو زیرمقوله «نقش والدین در جامعه‌پذیری» و «عدم آگاهی و اعتماد به نفس زنان» دارد. براساس مصاحبه‌های به‌دست‌آمده، دیدگاه زنان و مردان بلوچستان درباره موانع مشارکت سیاسی تقریباً همسان است، زیرا هر دو گروه علل اصلی را پیش‌فرض‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی مردان و حتی زنان می‌دانند. در این مورد، چرایی عدم مشارکت سیاسی مطرح می‌شود و اینکه چرا زنان به‌طور عمده در سیاست رسمی کشور شرکت نمی‌کنند یا مشارکت سیاسی محدودی را اعمال می‌کنند؟

مطالعات بسیاری در زمینه نقش والدین در جامعه‌پذیری و تربیت کودکان انجام شده است. بنابه ادعای ماس (۱۹۷۰) مادران در برخورد با فرزند دختر و پسر رفتاری متفاوت اتخاذ می‌کنند و حتی در دوران نوزادی میان آن‌ها فرق می‌گذارند. در این مورد، ماس به آن دسته از انتظارات فرهنگی تأکید می‌کند که بر نوع رفتار مادر تأثیر بسزایی دارد که بنا بر آن مرد نسبت به زن اعتمادبه‌نفس بیشتر و حساسیت کمتری دارد. همچنین مرفی (۱۹۶۲) دریافت مادران در برخورد با فرزند پسر به استقلال او احترام می‌گذارند [۱۵].

در مورد «نقش والدین در تربیت فرزندان» و «جامعه‌پذیری» سامیه بلوچ‌زهی، اولین زن بلوچ شهردار استان سیستان و بلوچستان دوره قبل، می‌گوید:

زنان نسبت به مردان اعتمادبه‌نفس ندارند که من فکر می‌کنم خانواده، جامعه‌پذیری زنان و تعصبات مذهبی نقش اساسی در اعتمادبه‌نفس زنان و حضور زنان در جامعه دارند.

در مورد زیرمقوله «ناآگاهی و اعتمادبه‌نفس در زنان» و «تربیت والدین» آیلین سعیدی بیان می‌کند:

مردان باور ندارند که زنان در امور سیاسی فعالیت کنند و زنان هم باور ندارند که در امور سیاسی بتوانند فعال باشند. در قدیم زنان می‌توانستند فعالیت سیاسی کنند، اما بعد باورهای غلط به شکل مذهبی به‌وجود آمد که مانع شد. از کودکی هم تربیت ما در خانواده مناسب نبوده است. مطالبه زنان و انتظار زنان از زندگی بسیار کم است و چون انتظارات پایین دارند جایگاهی خاص ندارند و خود را باور ندارند که مطالبه و انتظار بالا داشته باشند. همچنین آگاهی زنان از حقوق و فعالیت سیاسی و اجتماعی بسیار کم است.

آنچه زنان در مورد نقش و موقعیت اجتماعی- سیاسی خود می‌اندیشند ناشی از ساختارهای فرهنگی موجود در جامعه است که آنان را تجربه می‌کنند. «ارتقای آگاهی به معنای ایجاد آگاهی در میان زنان نسبت به موقعیت مشترکشان در جامعه و نیز آگاهی به این امر است که تجربیاتشان ناشی از ساختارهای اجتماعی است» [۱۵].

– **تأثیرگذاری روایات و باورهای قومی بر نقش زن:** تم اصلی تأثیرگذاری روایات و باورهای قومی دارای دو زیرمقوله «ضعف عقلانیت در زنان» و «اولویت وظایف خانگی برای زنان» است. با توجه به مصاحبه‌ها، به باور برخی از مردان، زنان مناسب فعالیت سیاسی نیستند، زیرا وظایف زن را محدود به خانه و خانواده می‌پندارند و توانایی‌های زن را برای انجام دادن فعالیت سیاسی

محدود و ناکافی می‌شمارند. از سوی دیگر، زنان را موجوداتی ضعیف، احساساتی و دارای عقل و منطق کمتر از مردان تلقی می‌کنند و بر این ادعا با تأکید بر احادیث و روایات مذهبی افراطی صحه می‌گذارند. به بیان دیگر، عرصه سیاسی را مقوله‌ای عقلانی فرض می‌کنند که زن توان ایستادگی در این وادی را نخواهد داشت.

مهديه درسته، مشاور بانوان بخش‌دار مرکزی چابهار، در این مورد می‌گوید:

ده‌یارهای روستا هر وقت به بخش‌داری مراجعه می‌کنند می‌گویند: «زنان چه می‌دانند همه آن‌ها ناقص‌العقل هستند.» متأسفانه الگوهای نامتعارف و باورهای غلطی در جامعه وجود دارد که نقش‌های خاصی برای هر یک از جنس‌ها مشخص می‌کند.

همچنین مسلم بشکار، استاد دانشگاه آزاد واحد چابهار، بیان می‌کند:

باورهایی وجود دارد مبنی بر اینکه مسئولیت و نقش زن در آشپزخانه و خانه است و زن فردی احساسی است و برای مدیریت مناسب نیست.

ناهید اسماعیل‌زهی، هیئت علمی دانشگاه آزاد ایرانشهر، در مورد نقش روایات و روحانیت می‌گوید:

تفکر دینی ما در این موضوع تأثیرگذار است. ما در سیستم دانشگاهی خودمان می‌بینیم آقایانی که روحانی هستند به راحتی به زبان می‌آورند شما زنان چرا این قدر کار می‌کنید. این شغل مال یک مرد است تا نان خانواده را در بیاورد. یعنی من به عنوان انسان نمی‌توانم شغل داشته باشم و این تفکر بر فرهنگ ما تأثیرگذار است؛ به خصوص خانم‌ها شهامت پیدا نمی‌کنند، وگرنه از نظر تفکرات اقتصادی تفکرات سیاسی خیلی از خانم‌ها بهتر از مردان است. خانم‌ها به خصوص خلاق‌تر از آقایان هستند.

الگوی سنتی تقسیم کار در خانواده حیطة مسئولیت زنان را در خانه و مرتبط با کار خانگی و مراقبت از فرزندان قلمداد می‌کند. کلیشه‌های نقش‌های جنسیتی زنان را به کارهایی مانند شست‌وشو، آشپزی و نظافت در خانه مشغول کرده است که نتیجه آن حضور اندک زنان در اجتماع، انزوای اجتماعی و نارضایتی زنان است. راضیه یارمحمدی، کارشناس ارشد معماری و مؤسس شرکت معماری، در زمینه وظایف و حیطة فعالیت زنان بیان می‌کند:

مردان مانع زنان می‌شوند و بعضی فعالیت‌ها را مردانه تصور می‌کنند. با وجود اینکه زنان خود آماده‌اند، سیستم مردسالار وظایف زنان را در حدود خانواده و خانه‌داری تعیین می‌کند.

– حضور اندک زنان در عرصه عمومی: تم اصلی حضور اندک زنان در عرصه عمومی دارای زیرمقوله «بد پنداشتن حضور زنان در افکار عمومی» است. مفهوم «عرصه عمومی» را اندیشمندانی چون یورگن هابرماس، هانا آرنت، چارلز تیلور و... مطرح کرده‌اند که طرح و گسترش آن در راستای تلاش‌های انسان معاصر برای رسیدن به عدالت اجتماعی و تحقق دموکراسی بنا شده است. هابرماس (۱۹۹۶) قبل از هر چیز حوزه عمومی را زندگی اجتماعی می‌داند که در آن شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می‌شود و جماعت سیاسی شکل می‌گیرد. از منظر هابرماس، اساس حوزه عمومی گفت‌وگو و تعامل است و دموکراسی اجتماعی

با توسعه حوزه عمومی محقق می‌شود [۲۳]. به عبارتی دیگر، مشارکت و حضور همه شهروندان جامعه، فارغ از جنسیت و قدرت، در عرصه عمومی و امکان گفت‌وگو در فضایی آزاد و بی‌قید و شرط لازمه تحقق دموکراسی و رشد آگاهی اجتماعی است. عایشه دامنی‌فر، کارمند اداره فنی حرفه‌ای و کاندید شورای شهر چابهار دوره قبل، در مورد حضور زنان در منطقه بلوچستان در حوزه عمومی بیان می‌کند:

در جامعه بلوچستان، زنان هنوز نتوانستند در عرصه عمومی حضور داشته باشند. زنان کمتر تحصیل کرده و بر همین اساس فعالیت زنان در جامعه در مقایسه با مردان کمتر بوده و نمی‌توانند مشارکت فعالی داشته باشند.

سعیده درزاده، کاندید شورای روستای هیت، شهرستان قصرقند و فعال ورزشی، می‌گوید: از قدیم‌الایام در مغز ما فرو کردند که از خانه بیرون نرویم و در بیرون حضور نداشته باشیم. زیرا حضور زنان در جامعه عیب تلقی می‌شود.

محمدحسین رئیسی، فعال اجتماعی-سیاسی و عضو شورای سابق شهر چابهار، بیان می‌کند: زنان دشتیاری و چابهار خودباوری و اعتمادبه‌نفس برای حضور سیاسی ندارند و تا حال حاضر نتوانستند خود را در منصفه ظهور بگذارند. در آموزش و پرورش یا در سیستم پزشکی نیز حضور زنان کم‌رنگ است یا با فقدان مواجه است یا در دانشگاه دریانوردی فقط یک زن بلوچ به نام خانم یاراحمدزهی مشغول به کار است.

– ساختار اجتماعی-سیاسی: مشارکت گروه‌های اجتماعی مانند زنان در بستر اجتماعی-سیاسی که در آن قرار دارند معنا می‌یابد. «مشارکت بخش جوهری و اساسی رشد انسان و توسعه اعتماد به خود، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین توسعه و تحولی در درون مردم تلاش و اقدام برای امحای فقر و توسعه‌نیافتگی اگر غیرممکن نباشد، دست‌کم با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد بود» [۳].

خانم شهنازی از تئلب ساختارهای اجتماعی-سیاسی بر مشارکت زنان بلوچ می‌گوید: زمانی که دختر از حق انتخاب‌های اولیه خود دور است، به مشارکت و سیاست فکر نمی‌کند. وقتی فرهنگ مشارکت زنان وجود نداشته باشد و زن نتواند حضور پیدا کند، وقتی آگاهی و دانش درباره حضور در عرصه‌های مختلف نداشته باشد، نمی‌تواند به این مسائل فکر کند. وقتی در جمعی می‌رویم درباره فعالیت صحبت می‌کنیم، آن زنان آگاهی نداشته باشند احساس ارتباط نخواهند داشتند. ما با یک ساختاری مواجهیم که مانع فهم زنان از این مسائل است.

علاوه بر این آنچه در ساختار اجتماعی-سیاسی بلوچستان درخور توجه است، دشواری عبور از فیلترها و موانعی است که بدون بهره‌مندبودن از رانت‌های مرتبط نه برای زنان، که برای مردان هم دشوار است. موسی رئیسی، رئیس اسبق دانشگاه آزاد واحد نیکشهر، موانع موجود را خارج از بحث جنسیت و متوجه همه شهروندان می‌داند:

در این منطقه، فیلترهایی وجود دارد که مرتبط به جنسیت نیست و حتی مردان توانمند هم نمی‌توانند در عرصه سیاسی فعالیت کنند و ساختار سیاسی این‌گونه طراحی شده است. در

نهادهایی همانند شورای شهر و روستا به دلیل نداشتن این فیلترها اتفاقاً مشارکت زنان و حضور آنها بسیار زیاد بوده است. از زمانی که شوراها ایجاد شدند ما زنانی را داشتیم که در شورا حضور پیدا کردند و خود رئیس شورا از شهر ایرانشهر انتخاب شد که خانم زینب خسروی بود. بنابراین بحث بر سر فیلترهاست. در فرهنگ بلوچ جامعه پدرسالارانه نیست؛ مثلاً در نارویی‌ها چیزی به نام پدرسالاری وجود ندارد، اما باز مشارکت زنان در خور توجه نیست. پس موانع دیگری وجود دارد.

تم «ساختار اجتماعی-سیاسی» از زیرمقوله‌هایی مانند «فیلترهای غیرجنسیتی» و «سیستم‌های گزینش» حاصل شده است.

– **فقدان سیستم‌های آموزشی مدرن:** از ویژگی‌های جوامع در حال توسعه، نظیر ایران، کارکرد سیستم‌های آموزش سنتی در کنار آموزش‌های رسمی است. مدرسه و نظام رسمی آموزش و پرورش به منزله مجریان آموزش‌های رسمی در جوامع محسوب می‌شوند. در کنار این، آموزش‌های برآمده از فرهنگ‌های ملی، محلی و قومی و نیز ارزش‌های محلی و خانوادگی نیز در امر آموزش تأثیرگذارند.

در اجتماعات قومی میزان اثربخشی آموزش‌های وابسته به سنت بیش از آموزش‌های رسمی است. در استان سیستان و بلوچستان تعداد درخور توجهی از دختران از تحصیلات رسمی محروم‌اند. بنابراین، آنچه راهبر افراد و ارزش‌های دختران در این منطقه است، آموزش‌های سنتی است که از رهگذر قومیت سینه‌به‌سینه به آنها انتقال یافته است. بدیهی است که عملکرد اجتماعی زنان از کانال آموخته‌های آنها عینی و عملی می‌شود. شه‌نوازی، باستان‌شناس، در این مورد بیان می‌کند:

راه برون‌رفت از ناآگاهی زنان، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی نهادهایی است که در این عرصه (سیاست) فعال‌اند. آموزش و پرورش می‌تواند نقش بسزایی در آگاهی‌رسانی ایفا کند. همچنین آگاهی‌سازی و اطلاع‌رسانی از طریق نهادها باید انجام گیرد تا مشارکت اتفاق افتد.

بر این اساس، تلاش بر تقویت آموزش‌های رسمی و مدرن به دختران می‌تواند شیوه‌ای در بهبود وضعیت مشارکت سیاسی زنان در قوم بلوچ تلقی شود.

«فقدان سیستم‌های آموزشی مدرن» از زیرمقوله‌های چون «منع تحصیل دختران»، «القای ارزش‌های سنتی زنانه در خانواده» و «ناآگاهی از دانش اجتماعی روز» حاصل شده است.

آثار و پیامدهای وضعیت موجود

– **مردانه پنداشتن سیاست:** از موانعی که در مسیر مشارکت سیاسی زنان بلوچ وجود دارد، مانعی ذهنی است که سیاست را حوزه‌ای آلوده و متعلق به مردان تلقی می‌کند. براساس باورهای فرهنگی سنتی، زنان بلوچ سیاست را قلمروی مردان می‌دانند. الهام نارویی، ده‌یار نوک‌آباد، می‌گوید:

در امور سیاسی مردان بهتر عمل می‌کنند، چون مردان توانایی روحی بالاتری در امور سیاسی دارند و بهتر می‌توانند از پس آن بر بیایند.

بسیاری از زنان بلوچ بر این اساس نسبت به سیاست حالتی انفعالی دارند. از نگاه آنان، سیاست متعلق به مردان و مناسب آن‌هاست و برای زنان دستاوردهای مؤثری ندارد. این نگاه مختص عوام نیست، بلکه در زنان متخصص و صاحبان مشاغل نیز دیده می‌شود. «آلودگی سیاست»، «ضرورت ریاکاری در امور سیاسی»، «تضاد پاکی زنان و ناپاکی سیاست» از زیرمقوله‌های این مفهوم‌اند.

– به حاشیه کشیدن زنان: موانع نهادی و فرهنگی موجود بر سر راه زنان چه از حوزه ارزش‌ها و باورهای درونی خود زنان و چه تحمیل‌شده از جانب نهادهای اجتماعی و بیرونی عواملی در به حاشیه راندن آن‌ها هستند.

«زنان به حاشیه‌رانده شده بلوچ» محصول ساختارهای نابرابری هستند که در مقولات پیشین به وضوح تشریح شد.

فرایند به حاشیه راندن زنان فرایندی است که در سایه فرهنگ قوم بلوچ توسط زنان و مردان به اتفاق محقق می‌شود. فشارهای هنجاری و ارزشی موجود به گونه‌ای عمل می‌کنند که زنان در بسیاری موارد خود تصمیم‌گیرنده برای در حاشیه ماندن‌اند.

– مردان بازیگران پیشروی / عدم پیشروی زنان: غلبه مردان در فرایندهای تصمیم‌گیری، چه در نهادهای رسمی و چه در خانواده، آن‌ها را به تعیین‌کنندگان اصلی سرنوشت حرفه‌ای زنان بدل کرده است.

زهره کدخدایی اولین زن دیپلمه چابهار از نقش پدر در تحصیل و موفقیت خود می‌گوید:

من اگر حمایت‌های پدرم نبود، هرگز نمی‌توانستم اولین زن دیپلمه در چابهار شوم. در واقع کمک‌های پدرم باعث شد من و خواهرانم، با وجودی که مادر نداشتیم، بتوانیم تحصیل کنیم و موفق شویم.

زنان مصاحبه‌شونده در این پژوهش دارای مناصب و مشاغل رده‌بالای استانی در سیستان و بلوچستان بوده‌اند. قریب به اتفاق آن‌ها بیان داشته‌اند که اگر نقش‌آفرینی پدران و همسران آن‌ها نبود، قادر به تحصیل و کسب مدارج حرفه‌ای نبودند. بر همین مبنا، می‌توان توان مردان در بازدارندگی زنان از موفقیت اجتماعی و سیاسی را مورد توجه قرار داد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که موانع مشارکت زنان سیاسی زنان منطقه بلوچستان از دو نگاه درخور توجه‌اند. نگاه نخست متوجه موضع‌گیری نهادهای رسمی به زنان است و نگاه دوم فرهنگ بلوچ را در نسبت با زنان شرح می‌دهد. رویکرد این پژوهش «نهادگرایی» است که از

یک سو می‌توان به‌عنوان یک نظریه در تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت که علل، چالش‌ها و راهکارهای یک مسئله یا بحران را نهاد و نهادینگی می‌داند و از سوی دیگر نهادگرایی یک روش است که با بررسی قانون اساسی، اداره عمومی و نهادهای جدید چالش‌های یک موضوع را مشخص می‌کند. در این پژوهش، نهادگرایی مواردی چون نگاه قانون اساسی به حضور زنان، حضور عملی زنان در سازمان‌ها و بروکراسی سیاسی کشور و نگاه نهادهای ناملموس به زنان را معین می‌کند.

مشارکت سیاسی زنان بلوچ در نسبت با نهادهای رسمی

نهادهای رسمی ایران در ابعاد ملی معنا می‌شوند. بر این اساس، موانع مشارکت سیاسی زنان بلوچ در این بخش در همپوشانی با موانع مشارکت زنان ایرانی قرار دارد. در اینجا شرحی از نهادهای رسمی و تبیین مشارکت زنان در این نهادها آورده می‌شود.

نهادهای رسمی: قانون اساسی به‌منزله نقطه شروع مطالعات نهادی از طرفی تعیین‌کننده قواعد و فرامین سیستم سیاسی دولت است و از طرف دیگر سایر نهادها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. بر همین اساس، قانون اساسی با نگاهی نهادی در چارچوب مشارکت سیاسی زنان بررسی می‌شود. در دیباچه قانون اساسی، بیان شده است که همه آحاد مردم باهم برابرند و از حقوق یکسانی برخوردارند. از همین رو، به سبب ظلم‌هایی که در گذشته بر زنان روا شده است، دولت موظف است از زنان حمایت کند و حقوق زنان را در همه جهات برحسب موازین اسلامی رعایت کند و در این مسیر اقدام کند. بدین ترتیب، قانون اساسی عموم زنان و مردان را بدون در نظر گرفتن مذهب، قوم، نژاد و رنگ با توجه به موازین اسلامی یکسان در نظر دارد. موازین اسلامی نیز به‌منزله یکی از نهادهای کمتررسمی به حساب می‌آید که برخی از آن‌ها صورتی قانونی و رسمی گرفته‌اند.

نهادهای اجرایی: اهمیت نقش ریاست‌جمهوری در سیاست‌گذاری‌ها روشن است. به‌موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی رئیس‌جمهور ایران باید از میان «رجال» مذهبی و سیاسی که واجد شرایط ذیل باشند انتخاب شود: «ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» [۶]. در این قانون، ذکر مذهب رسمی خود مانعی برای حضور زنان مذاهب دیگر می‌شود. بنابراین، بخشی از زنان و مردان بلوچ نمی‌توانند در این مسند حضور داشته باشند. از طرف دیگر، در ویژگی‌های ریاست‌جمهوری شرط جنسیتی بیان نشده است، اما تاکنون زنی به‌عنوان کاندیدا نتوانسته حضور داشته باشد. قواعد موجود در گزینش رئیس‌جمهور از مواردی است که نهاد رسمی و غیررسمی در کنار هم مانع مشارکت سیاسی زنان بلوچ می‌شوند. درعین حال نیز، در تعیین وزرا چنین شرطی وجود ندارد؛ چنان‌که تاکنون تنها یک زن به‌عنوان وزیر انتخاب شده است.

نهادهای امنیتی: مقام‌هایی چون ریاست قوه قضاییه در ایجاد امنیت فردی و اجتماعی، ریاست دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور در سالم‌سازی محیط قضایی کشور و همچنین بنابر اصل ۱۷۶ قانون اساسی شورای امنیت ملی کشور به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت شکل گرفته‌اند [۲]. با این حال، در همه نهادهای امنیتی شرط ذکورت بیان نشده، چنان‌که ریاست قوه قضاییه یک پست اداری است و ثانیاً به فرض قضایی بودن، دلایل فقهایی که قائل به شرط ذکورت هستند در نظر قانون‌گذار موجه نبوده است. همچنین بنابر اصل ۱۶۲ قانون اساسی رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد، عادل و آگاه به امور قضایی باشند که ویژگی‌های ذکر شده شرط جنسیتی را بیان نکرده است. لکن تا حال حاضر زنی در این تصدی‌ها قرار نگرفته است که باز نشانه پیشی‌گرفتن نهادهای ناملموس از سایر نهادهای کشور است.

نهادهای مشورتی: در نهادهای مشورتی نیز، همانند نهادهای اجرایی و امنیتی ذکورت صراحتاً مطرح نشده؛ چنان‌که برای عضویت در خبرگان ذکورت شرط نشده است. اما به موجب ماده ۲ قانون انتخابات خبرگان یکی از شرایط اجتهاد ذکر شده که مرد بودن را به ذهن متبادر می‌کند. حال آنکه ذکورت شرط اجتهاد و مرجعیت نیست و رسیدن به حد اجتهاد احراز نوعی تخصص است که به زن یا مرد اجازه می‌دهد در حوزه تخصص خود فعال باشند. در حالی که در دوره اول بازنگری مجلس خبرگان، فقط یک زن حضور یافته است و در هیچ‌یک از دوره‌های دیگر زنان نتوانسته‌اند کاندید شوند [۲]. یکی از نهادهای مشورتی دیگر شورای نگهبان است. این شورا به موجب اصل قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس شورای خبرگان، رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد [۶]. بنابراین، مقامات و سازمان‌های مجری قانون اساسی برای تفسیر، ناگزیر از مراجعه به این شورا هستند. در این قانون، به موجب اصل ۹۱، اثری از شرط جنسیتی، قومی و مذهبی وجود ندارد؛ به طوری که زنان و اقوام با مذهب تسنن نیز در شورای نگهبان می‌توانند حضور یابند. اما تا حال حاضر هیچ زنی، بالاخص زنی از بلوچستان، انتخاب نشده است. البته این امر تاکنون برای مردان اقوام و مذاهب دیگر نیز اتفاق نیفتاده است. براساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی، تصدی زنان در مجمع تشخیص مصلحت نظام مانع قانونی ندارد. اصل ۱۱۲ قانون اساسی بر دو محور کارشناسی و مشاوره استوار است که در نظام اسلامی برای زنان تجویز شده و در فقه نیز دلیلی بر منع وجود ندارد [۲]. بنابراین، قوانین داخلی ایران برای عضویت زنان در مجمع تشخیص مصلحت نظام مانعی ایجاد نکرده است. در عین حال در قانون انتخابات مجلس نیز شرط جنسیت در نظر گرفته نشده است و بین زنان با مردان تفاوتی نیست. اما حضور زنان اقوام، به خصوص زنان بلوچ، محسوس نبوده است. تاکنون زنی از منطقه بلوچستان به مجلس راه نیافته است. بدین ترتیب، مشارکت زنان بلوچ در مجلس شورای اسلامی نیز با اثرگذاری عرف و سنت روی نهاد رسمی بوده است.

به موجب اصل ۱۰۰ قانون اساسی اداره امور هر روستا، بخش، شهر و شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. قوانین ایران برای عضویت زنان در شوراهای مانع ایجاد نکرده است. زنان منطقه بلوچستان در این عرصه گام‌هایی برداشته‌اند که در مناطق مختلف مشارکت زنان متفاوت بوده است؛ به طوری که تا کنون در شهرهای چابهار، خاش و زاهدان زنی در تصدی شوراهای قرار نگرفته است و در واقع حضور زنان بیشتر در روستاهای خاش و شهرهای نیکشهر، سرباز، ایرانشهر، سراوان، نکور و پلان چابهار بوده است.

نهادهای نظامی: با استناد به ماده ۳۲ قانون ارتش مصوب ۱۳۶۶، ارتش می‌تواند فقط برای مشاغل درمانی و بهداشتی زنان را استخدام کند. همچنین با استناد به ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی، این نهاد می‌تواند صرفاً برای انجام دادن مشاغلی که مستلزم به‌کارگیری زنان باشد نسبت به استخدام آنان به صورت کارمند اقدام کند که به‌روشنی از حضور زنان در کسب مقامات بالای نظامی جلوگیری شده است. براساس قواعد قانونی مطرح‌شده، مشخص است بسیاری از مناصب و مقامات سیاسی از زنان سلب شده، که هنوز جایگاهی معین برای آنان به دست نیامده است. اما با افزایش مشارکت زنان شوراهای اسلامی شهر و روستا، نقش زنان در مناصب میانی گسترش یافته است.

ساختار اداره عمومی: در فرایند ساختار اداره عمومی که سازمان‌ها و بروکراسی‌های اداری را شامل می‌شود نیز نشانه‌های نهادی نفوذ گروه‌های اجتماعی وجود دارد. حضور و نفوذ زنان منطقه بلوچستان در سازمان‌ها و بروکراسی اداری سیاسی نشان‌دهنده عملکرد دولت و نهاد رسمی و همچنین فعالیت‌های سیاسی زنان بوده است که سیر تاریخی حضور زنان بلوچ در ساختار اداری و سیاسی را می‌توان گواه آن دانست. براساس نگاه تاریخی مشارکت زنان فرایند ساختار بوروکراسی از سال ۱۳۵۷ تا اجرایی نمودن قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۸، به‌طوری که از سال ۱۳۵۷ تا اجرایی نمودن قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۸، به‌عنوان یک نهاد مشارکتی و میانجی توسط دولت سید محمد خاتمی، نه تنها حضور و نقش‌آفرینی زنان بلوچ، بلکه حتی مردان بلوچ نیز کم‌رنگ بوده است.

از آغاز شوراهای اسلامی شهر و روستا حضور مردان و زنان بلوچ چشمگیر بود؛ بالاخص زنان بلوچ از دوره دوم شوراهای حضور جدی داشتند. درعین حال فرایند به‌کارگیری بلوچ‌ها در سازمان‌های بروکراتیک و سیاسی نیز در همین دوره آغاز شد. از همین رو، این فرایند کم‌کم افزایش یافت؛ به طوری که در حال حاضر زنان در بسیاری از شوراهای شهر و روستا انتخاب شده‌اند و در ساختار مدیریتی و اداره عمومی برای خویش جایگاهی به دست آورده‌اند. درحقیقت با رشد نهادهای مشارکتی از سوی مشارکت و اعتمادبه‌نفس بلوچ‌ها، به‌ویژه زنان، افزایش یافته است و از سوی دیگر دولت و ساختار بروکراتیک نیز در حال نهادینه کردن جایگاه

اقوام و زنان هستند. از آمارهای استانداری سیستان و بلوچستان استنباط می‌شود که تا حال حاضر یک فرماندار، دو بخشدار و دو شهردار از زنان برگزیده شده‌اند؛ همچنین هیچ زن بلوچی از ۳۶ کاندیداتور به مجلس شورای اسلامی راه نیافته است. با وجود این، تا حال حاضر نقش زنان در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا گسترش یافته و دهیاران زن نیز افزایش یافته‌اند. درحقیقت، این فرایند سیر صعودی داشته است.

مشارکت سیاسی زنان بلوچ در نسبت با نهادهای غیررسمی / ناملموس

با وجود اینکه نهادهای رسمی نظیر قانون اساسی و اداره عمومی بخشی از موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان را پدید آورده‌اند، موانع دیگری نیز در عقب نگه داشتن زنان در عرصه سیاسی مؤثر بوده‌اند که چه‌بسا اثری عمیق‌تر بر مسئله داشته‌اند. در تحقیق رانوکا چاندهاری^۱ در سال ۲۰۱۱ نهادهای غیررسمی همچون «هنجارهای اجتماعی»^۲، «سنت»^۳، «پدر/ مردسالاری»^۴ را مهم‌ترین عوامل مانع‌شدن مشارکت سیاسی زنان در هند دانسته است. او این مانع را در وضعیتی مطرح می‌کند که قوانین هند یکی از بهترین قوانین درخصوص مشارکت زنان است. وی معتقد است که زنان از یک‌سو با باورهای خود درباره سیاست درگیرند و از سوی دیگر زمانی که زنان آماده حضور در عرصه سیاسی می‌شوند، مردان مانع مشارکت سیاسی آن‌ها هستند و صندلی‌های سیاسی را از آن خود تصور می‌کنند [۲۵]. بنابراین نهادهای غیررسمی می‌توانند از موانع مشارکت سیاسی زنان باشند. وضعیت زنان بلوچ نیز با این مورد مشابه است.

در این پژوهش نیز، موانع حاصل از نهادهای غیررسمی بر مشارکت زنان بلوچ درخور توجه هستند. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده، دیدگاه زنان و مردان بلوچستان درباره موانع مشارکت سیاسی تقریباً همسان است و هر دو گروه شاخص اصلی را پیش‌داوری‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی مردان و حتی خود زنان می‌دانند. در این زمینه، پدیده‌هایی چون نهاد مردسالاری بخشی از باورهای برآمده از نهاد مذهب و خودناباوری زنان درباره خود و دیگر مقولات تشریح‌شده در این پژوهش بر مشارکت زنان اثرگذارند.

نبود دانش عمومی صحیح درباره مشارکت سیاسی در زنان یا به‌عبارتی باورهای غلط زنان درباره سیاست امری درخور توجه است؛ زنان بلوچ سیاست را امری آغشته به دروغ، خیانت، حقه‌بازی می‌دانند و درمجموع عرصه سیاسی را آلوده می‌پندارند. علاوه بر این، اغلب زنان بلوچ سیاست را امری مردانه در نظر گرفته‌اند. زنان با وجود چنین ویژگی‌هایی رغبت چندانی برای

1. Renuka Choudhary
2. social norms
3. tradition
4. patriarchy

مشارکت سیاسی ندارند و مردان با رویکردی متفاوت زنان را مناسب فعالیت‌های سیاسی نمی‌دانند، زیرا وظایف زن را به خانه و خانواده محدود می‌پندارند و توانایی او را برای میدان سیاست پایین می‌دانند.

این رویکرد در ترکیب با برخی از باورهای مذهبی افراطی و نیز از فرهنگی بیان می‌شود. تأکید آن‌ها حاکی از ضعف زنان در احداثی است که زن را با احساس همسان می‌دانند و همچنین عقل زن را نصف مرد می‌پندارند. به بیان دیگر، عرصه سیاسی را مقوله‌ای عقلی فرض می‌کنند که زن توان ایستادگی در این وادی را نخواهد داشت.

چنین باورهایی در فرهنگ سنتی بلوچستان نهادینه شده است و ردپای آن را در ادبیات روزمره و ضرب‌المثل‌ها نیز می‌توان یافت. اصلاحات و ضرب‌المثل‌های بلوچی بیانگر این نگاه به زنان هستند. مثلی چون «زن هرچه تلاش کند، همانند مرد رود جاری و بزرگی نمی‌شود» بیان‌گر این رویکرد است.

از دیگر سو، زنان و مردان مصاحبه‌شونده باور دارند که برخی از پیش‌داوری‌های مردسالارانه و مذهبی در قواعد و رویه‌های رسمی به صورت محسوس و نامحسوس نهادینه شده است. زنان بلوچ از سویی نتوانسته‌اند در مناصب عالی‌رتبه مانند مجلس خبرگان، وزرا، ریاست سه قوا، شورای نگهبان و... نقش‌آفرینی کنند. از طرف دیگر در نهادهای آموزشی و فرهنگی فقدان برنامه‌هایی برای افزایش مشارکت زنان بلوچ در عرصه سیاسی احساس می‌شود. در مجموع، باور بر این است که فرایند افزایش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش زنان از جمله افزایش حق انتخاب و برخورداری از فرصت‌های مناسب برای به فعلیت رساندن استعدادها درونی و افزایش سطح دانش و آگاهی سیاسی و فرهنگی، می‌تواند فرصت‌های متعددی را نیز از ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای زنان به وجود آورد. در این زمینه، اثربخشی نهادهای ناملموس در جامعه کمتر خواهد شد [۱۹].

در سوی دیگر، زنان و مردان بلوچ کارکرد نهادهای خانواده، آموزش و اقتصاد را در جهت افزایش مشارکت سیاسی زنان بلوچ و کاهش تأثیرگذاری موانع نهادینه‌شده مهم تلقی کرده‌اند. در مناطقی که این نهادها اثربخشی مشارکتی داشته، زنان نقشی بیشتر داشته‌اند. می‌توان به شهرهایی چون ایرانشهر، سرباز و نیکشهر در این خصوص اشاره کرد که نخبگان مورد مصاحبه اثربخشی این نهادها را تأیید کرده‌اند. به نظر می‌رسد مناطقی که نهاد آموزش و خانواده به هر میزان اثر مثبتی داشته باشد زنان بلوچ در عرصه‌های مختلف نقش بیشتری ایفا خواهند کرد. درحالی‌که مناطقی که نهاد آموزش و خانواده اثربخشی معکوس داشته باشد و همچنین ارزش‌های آموزشی و مشارکتی نهادینه‌نشده باشد، زنان تحت‌الشعاع نهادهای ناملموس قرار می‌گیرند و دولت نیز نمی‌تواند نقش چندانی ایفا کند.

در کل به نظر می‌رسد کاهش نفوذ نهادهای ناملموس با گسترش نهادهای میانجی مشارکتی

از جمله تشکل‌ها، انجمن‌ها و افزایش اثربخشی نهادهای آموزشی و فرهنگی با آگاهی‌سازی، جامعه‌پذیری و تعریف نمادها و الگوهای جدید در جهت افزایش فعالیت‌های سیاسی زنان بلوچ مؤثر خواهد افتاد و زمینه افزایش مشارکت سیاسی زنان و حمایت نهادهای رسمی از زنان بلوچ را پدید خواهد آورد. بدیهی است که حمایت‌های نهادهای رسمی و تشکل‌های زنان از زنان بلوچ نیز در گرو افزایش مشارکت سیاسی فعال زنان بلوچ است.

منابع

- [۱] آب‌نیک، حسن (۱۳۸۶). «رویکرد نهادگرایانه به فرایند تصمیم‌گیری سیاسی»، *سیاست داخلی*، ش ۲، ص ۳۴-۷.
- [۲] ابطحی، صفی نازالسادات (۱۳۹۴). «توانمندسازی زنان و مشارکت سیاسی در ایران، مطالعه موردی: دوره جمهوری اسلامی»، *سیاست دانشگاه تربیت مدرس*، ش ۷، ص ۸۲-۶۵.
- [۳] بندرآباد و همکاران (۱۳۹۴). «جستاری در مفهوم‌شناسی عرصه‌های عمومی شهری در بازخوانی نظریه انتقادی و مکتب فرانکفورت»، *فصل‌نامه مدیریت شهری*، ش ۳۹.
- [۴] پیترز، گای (۱۳۸۶). *نظریه نهادگرایی در علم سیاست*، ترجمه فرشاد مؤمنی و فریبا مؤمنی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- [۵] جعفری، علی؛ دهقان‌نژاد؛ مرتضی؛ الهیاری، فریدون (۱۳۹۵). «فرایند قدرت‌گیری رضاخان با رویکرد نهادگرایی»، *تاریخ اسلام*، ش ۳۲، ص ۶۰-۳۳.
- [۶] جهانگیر، منصور (۱۳۸۱). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر.
- [۷] حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۹۱). «از نهادگرایی تا گفتمان: درآمدی بر کاربرد نظریه‌های نهادگرایی در علوم سیاسی»، *دانشگاه باقرالعلوم (ع)*، ش ۶۰، ص ۱۰۸-۸۳.
- [۸] حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). «تقابل رفتارگرایی و نهادگرایی در علوم سیاسی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۵۵، ص ۱۳۹-۱۵۴.
- [۹] رضوی‌الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸). «تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، ش ۲۱، ص ۷۳-۶۱.
- [۱۰] زندی، فاطمه؛ دامن‌کشیده، مرجان؛ مرادحاصل، نیلوفر (۱۳۹۱). «نقش رشد اقتصادی بر مشارکت زنان در کشورهای منتخب آسیا»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، س ۳، ش ۱۱، ص ۱۲۵-۱۱۱.
- [۱۱] صالحی، منصور؛ توحیدفام، محمد (۱۳۹۶). «مناقشه پلورالیسم و نئوپلورالیسم به‌مثابه چالش نوین نهادهای بین‌المللی در قرن بیست»، *فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل*، س ۱۰، ش ۴۰، ص ۱۳۳-۱۱۵.
- [۱۲] عباس، محمدی‌اصل (۱۳۸۳). «موانع مشارکت سیاسی زنان»، *رفاه اجتماعی*، س ۳، ش ۱۲، ص ۱۳۰-۹۳.
- [۱۳] فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

- [۱۴] کاظمی، حجت (۱۳۹۲). «نهادگرایی به‌عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی»، پژوهش‌های سیاست‌نظری، ش ۱۳، ص ۱ و ۱۲-۲۸.
- [۱۵] کاویانی‌راد، م؛ ویسی، ه (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران، مطالعه موردی نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران»، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۴، ش ۳، ص ۱-۲۰.
- [۱۶] گرت، استفانی (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی جنسیت*، تهران: نی.
- [۱۷] مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۱۸] محمدپور، احمد (۱۳۹۷). *روش تحقیق کیفی، ضد روش*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۹] مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۳). *نهادگرایی و جهانی‌شدن*، تهران: تهران.
- [۲۰] معینی‌پور، مسعود (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هانتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی»، *مشرق موعود*، ش ۱۲، ص ۷۹-۱۰۶.
- [۲۱] ملکی، امیر (۱۳۸۴). «نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۵.
- [۲۲] موسوی خامنه، مرضیه؛ دادهیر، ابوعلی؛ برزگر، نسرين (۱۳۸۹). «توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۸، ش ۴، ص ۵۱-۷۳.
- [۲۳] هاجسون، جفری (۱۳۸۹). *رویکرد اقتصاد نهادی و ماهیت نهادها*، ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی‌نسب، محمود مشهدی احمد و علی نیکو نسب (گردآوری و ترجمه)، تهران: دانشگاه امام صادق.
- [۲۴] هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم.
- [25] Burkely, Stan, (1996). *People First a Guide to Self-reliant Participatory Rural Development*, London: Zed Books.
- [26] Dr. Renuka Choudhary (2000). "Issues and Challenges of Women Participation in Politics", *National Journal of Multidisciplinary Research and Development*, PP 344-346.
- [27] Kelin,Hans (2005). "The Right of Political Participation and Information Society", *the Information Society, Montreal, Global Democracy Conference*.
- [28] Lgie, Robert (2014). *The institutional approach to political leadership*. In: *Kane, John and Patapan, Haig*, (eds.) *Good Democratic Leadership: On Prudence and Judgment in Modern Democracies*. Oxford University Press.